



A Comparative Study of Art Curriculum in Elementary Schools in Iran and Finland

Hamze Abar^{*1}, Zeinab Sayyad², Seyed Mohammadhossein Hosseini³

¹ PhD in Curriculum Planning, Educational Sciences, Farhangian University, Mazandaran,

² Bachelor of Visual Arts, Secretary of Culture and Arts of Tonekabon City

³ Bachelors Degree Student in Elementary Education. Shahid Motahari Higher Education Center
Nowshahr, Mazandaran, Iran

* Corresponding author: hamzeh.abar@yahoo.com

Received: 2025-03-05

Accepted: 2025-06-06

Abstract

The aim of the present study was to compare the similarities and differences between the teacher education systems of Iran and Finland. For this purpose, the differences and similarities of art education in the two countries were examined using a comparative method. The information required to answer the questions was collected through the official website of specialized collections, library resources, and reputable articles in the two countries. This research is of a qualitative, applied, and objective nature, and was conducted using a descriptive-analytical method and the Brady model in four stages of description, interpretation, juxtaposition, and comparison. The statistical population of this study includes the elementary art curriculum in countries around the world, and its statistical sample, based on the purposive sampling method, is the elementary art curriculum in Iran and Finland. The main results of this study, after comparing the similarities and differences in the three elements of objectives, content, and teaching methods of the art curriculum in Iran and Finland, show that there are significant similarities and differences between the primary art curriculum of both countries. The similarities are more visible in the content and the differences are more visible in the objectives and teaching methods. Also, the analysis of the findings of this study shows that in the field of practice or implementation of the primary art curriculum, a large gap is seen between Iran and Finland in the elements studied.

Keywords: Finland, Iran, Comparative Study, Art Curriculum, Primary.

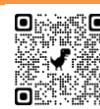
© 2019 Journal of New Approach to Children's Education (JNACE)



This work is published under CC BY-NC 4.0 license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Abar, H, et al . (2025). A Comparative Study of Art Curriculum in Elementary Schools in Iran and Finland. *JNACE*, 7(3): 1-15.





بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر مدارس ابتدایی ایران و فنلاند

حمزه آبار^{۱*}، زینب صیاد^۲، سید محمد حسین حسینی^۳

^۱ دکتری برنامه ریزی درسی، علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، مازندران، ایران

^۲ کارشناسی هنرهای تجسمی، دبیر فرهنگ و هنر شهرستان تنکابن

^۳ دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی. مرکز آموزش عالی شهید مطهری نوشهر، مازندران، ایران

* نویسنده مسئول: hamzeh.abar@yahoo.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند بود. به این منظور، با استفاده از روش تطبیقی، تفاوت و شباهت‌های آموزش هنر در دو کشور بررسی شد. اطلاعات مورد نیاز برای پاسخگویی به پرسش‌ها از طریق وبسایت رسمی مجموعه‌های تخصصی، منابع کتابخانه‌ای و مقالات معتبر در دو کشور گردآوری شد. این پژوهش از بُعد هدف، کاربردی و از نوع کیفی است که با روش توصیفی-تحلیلی و به کمک الگوی پردی در چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش شامل برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در کشورهای جهان و نمونه آماری آن با توجه به روش نمونه‌گیری هدفمند، برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند است. عمده‌ترین نتایج این پژوهش پس از مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در سه عنصر اهداف، محتوا و روش‌های تدریس برنامه درسی هنر در کشور ایران و فنلاند، نشان می‌دهد که شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای میان برنامه درسی هنر دوره ابتدایی هر دو کشور وجود دارد. شباهت‌ها بیشتر در محتوا و تفاوت‌ها بیشتر در اهداف و روش‌های تدریس دیده می‌شود. همچنین، تحلیل یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد در حوزه عمل یا اجرای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، فاصله زیادی بین ایران و فنلاند در عناصر بررسی شده، دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: فنلاند، ایران، بررسی تطبیقی، برنامه درسی هنر، دوره ابتدایی

تمامی حقوق نشر برای فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان محفوظ است.

شبهه استناد به این مقاله: آبار، حمزه؛ صیاد، زینب؛ حسینی، سید محمد حسین. (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر مدارس ابتدایی ایران و فنلاند. فصلنامه رویکردی نو بر آموزش کودکان، ۷(۳): ۱-۱۵.

مقدمه

امروزه نقش هنر در آموزش به گونه‌ای است که با گذشت زمان، حضورش پررنگ‌تر و موثرتر می‌شود. به وسیله هنر می‌توان به مجموعه‌ای از نیازهای مهم و ریشه‌ای دانش‌آموزان همچون نیاز به کنجکاوی، استقلال طلبی و خلاقیت پاسخ داد و اگر خلاقیت در انسان رشد و پرورش یابد ابزار قدرتمندی برای

او در زندگی شخصی و اجتماعی می‌شود. هنر خود عامل جذابیت و شوق و تحرک و پرورش استعدادهای درونی انسان‌هاست و نقش عظیمی را در زندگی جوامع امروزی ایفا می‌کند. در این بین چیزی که بیش از همه به چشم می‌خورد، مظلومیت و غربت خود هنر و جایگاه کم رنگش در نظام آموزشی کشور ماست (حسینی راد، ۱۳۹۸).

هنر درسی است از حیث مضمون و دشواری هم تراز با سایر علوم، لیکن چون نتیجه عینی و آشکاری مانند آموزش خواندن و نوشتن نداشته است مورد سطحی نگری واقع شده و بی برنامه، رها شده است. در واقع بخشی از مشکلات نظری تربیت هنری در نظام آموزش ما متأثر از این تصور است که قلمرو فرعی هنر، فاقد اهمیت لازم برای تنظیم و تدوین برنامه ریزی هدفمندی است. نتیجه این دیدگاه در عمل این است که معلمان صرفاً بر اساس برداشت های شخصی و بدون عنایت به اهداف تربیت هنری، اقدامات جسته گریخته ای انجام می دهند. سهم اندک ساعت های هنر با بی برنامه گی و بطلالت به هدر می رود و یا مدرسه، در صورت لزوم مقداری از وقت آن را برای جبران عقب ماندگی و مطالعه دروس ریاضی و علوم می گیرد و در نتیجه دانش آموزان از مجموعه وسیعی از تجارب آموزشی و خلاق، محروم می شوند. این کم توجهی و بی برنامه گی دستاویز رخوت و بیمارگونه گی هنرهای تجسمی نسل پیشین بوده است، چنان که هنوز هم در برخی از مناطق، نقش مدرسه در شکل گیری فرهنگ هنری دانش آموزان بسیار رقت انگیز و محدود به فعالیت های عامیانه و تزئینی است، فعالیت های تکراری و کلیشه ای مانند کپی از روی الگو، ساختن روزنامه های دیواری، ساختن موزاییک با دانه های حبوبات و تزئین کلاس و راهروهای مدرسه، که هر چند ممکن است دستمایه ای از هنر داشته باشند، ماهیتاً نتیجه معکوسی دارند (دالوندی، ۱۳۹۷).

تحقیقات انجام شده در کشور ما نشان می دهد، آموزش هنر می تواند فراهم کننده شرایط پرورش خلاقیت باشد، اما اهمیت جدی داده نشده و در واقع این درس در برآوردن هدف های منظور شده برای آن، ناتوان بوده است. به نظر می رسد در تدارک آموزش ها و محیط های مناسب برای پرورش خلاقیت، چاره ای جز این نداریم که نگرش خود را نسبت به هنر و تأثیرات فراوان آن بهبود ببخشیم. نگاهی نقادانه به نظام آموزشی فعلی، شناسایی موانع و مشکلات پرورش خلاقیت و آموزش هنر، فراهم نمودن زمینه و شرایط بروز استعداد های خلاق دانش آموزان و عزم و اراده محکم برای اجرای این مهم، باید دغدغه اصلی مسئولان آموزش و پرورش باشد (یوسفی افراشته، شیخی فینی، مظری، سلطان و رشیدی، ۱۳۹۱).

با عنایت به اینکه برنامه درسی هنر در ایران از یک سو با محدودیت های نظری و فکری و از سوی دیگر با موانع اجرایی همراه بوده است، دارای نقش حاشیه ای در برنامه درسی مدارس می باشد، مطلوب است که بر ضرورت استفاده از تجربیات سایر کشورها از جمله کشورهای پیشرفته تأکید شود و با توجه به عوامل موفقیت برنامه درسی هنر در این کشورها، راهکارها و راهبردهای اثربخش و کارا در زمینه احیای برنامه

درسی هنر و جبران کاستی ها و کمبودهای موجود در این زمینه و در راستای نهادینه کردن آن به عنوان یک قلمرو آموزشی و تربیتی در نظام آموزش و پرورش ایران ارائه شود. با توجه به کمبود مطالعات تطبیقی در این زمینه، توجه به اینگونه مطالعات در زمینه برنامه درسی هنر حائز اهمیت است. در همین راستا این سؤال مطرح می شود که چه تفاوتها و چه شباهت هایی بین اهداف، محتوا و روش های تدریس در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و دیگر کشورها وجود دارد و از مقایسه این تفاوت ها و شباهت ها به چه نتیجه ای خواهیم رسید؟ در همین راستا، این پژوهش قصد دارد به بررسی تطبیقی عناصر هدف، محتوا و روش های تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند بپردازد تا توجه مؤلفان و برنامه ریزان حوزه آموزش و پژوهش را بیش از پیش به این مسأله مهم و اساسی جلب کند، گام هایی برای به رسمیت شناخته شدن بیشتر درس هنر در برنامه درسی ایران برداشته شود و با الهام گرفتن از روش های همراه با موفقیت این کشورها، بازنگری در برنامه درسی هنر در کشورمان صورت پذیرد؛ به امید آنکه دست اندرکاران و برنامه ریزان درسی به بازاندیشی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی که موجب غفلت زدایی از آن می شود دعوت شوند؛ بدین ترتیب، هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند است.

پژوهشهای قابل استناد زیادی در زمینه بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی صورت پذیرفته است، اما به عنوان شاهد، به بررسی چند پژوهش انجام شده در سال های اخیر می پردازیم:

در پژوهش خسروی مشیزی، سلطانی و علی نژاد (۱۳۹۸) آمده است که بین برنامه درسی هنر دوره ابتدایی مدارس ایران و کانادا شباهت ها و تفاوت های شایان توجهی وجود دارد. شباهت ها بیشتر در اهداف و تفاوت ها عمدتاً در محتوا است. در عنصر اهداف، اگرچه هر دو کشور زمینه فرهنگی ملّی خود را در تدوین اهداف به کار بسته اند، با این حال در کانادا، فرهنگ بومی و محلی نیز در اهداف برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین، در کانادا بر آگاهی یافتن از احساسات درونی به عنوان پیش نیاز تولید هنر تأکید شده است. در عنصر محتوا، رقص و آموزش موسیقی در برنامه درسی ایران دیده نمی شود و در کانادا قصه گویی زیرمجموعه محتوای درام و نمایش است. در عنصر روش های تدریس، استفاده از هنرمندان در روش های تدریس هنر در ایران پیش بینی نشده است، اما در کانادا از متخصصان هنر در کنار معلمان برای تدریس استفاده میشود. در عنصر ارزشیابی، هدف ارزشیابی آموزش هنر در کانادا، «بهبود یادگیری» است، اما در ایران سنجش میزان «توانایی یادگیری»

کشور فنلاند مورد توجه قرار میگیرند، اما در کشور ایران نادیده گرفته شده اند؛ این در حالی است که هنرهای تجسمی هم در ایران و هم در فنلاند آموزش داده میشوند.

نتایج پژوهش (کارگذار، کبک و الداغی، ۱۳۹۷) نشان می دهد تربیت هنری در نظام آموزشی ایران در مقایسه با ژاپن، از یک سو با محدودیت های نظری و فکری و از سوی دیگر با موانع و تنگناهای اجرایی و عملی دست به گریبان است. محدودیت های نظری ریشه در عدم اعتقاد و باوربرنامه ریزان آموزشی به ضرورت و نقش ویژه تربیت هنری در شکوفایی قابلیت ها و استعدادهای دانش آموزان و تحقق هدف های نظام آموزشی دارد؛ به بیان دیگر با وجود نقش و اهمیتی که هنر و تربیت هنری در رشد و پرورش قابلیت ها و استعدادهای دانش آموزان و تحقق هدف های نظام آموزشی دارد، در عمل مشاهده می شود که مقوله مذکور از جایگاه مناسبی در برنامه های درسی نظام آموزشی کشور ما برخوردار نیست. طی سالیان متمادی، نوع برخورد و رویکرد نظام آموزشی و به تبع آن مدیران و معلمان مدرسه ها در سطح کشور نسبت به تربیت هنری بیانگر آن است که گویی این حوزه باید صرفاً به عنوان یک پدیده آموزشی فرعی و حاشیه ای مورد توجه قرار گیرد. از این نظر وضعیت نامناسب و ناکارآمد تربیت هنری در نظام آموزش و پرورش کشور ما، بیش و پیش از هر علت، ریشه در محدودیت های فکری و فقدان بینش، اعتقاد و باور برنامه ریزان و دست اندرکاران نظام آموزشی به ضرورت وجودی تربیت هنری دارد. بر مبنای چنین باور و ذهنیتی است که می توان در مرحله تدوین و طراحی برنامه درسی، حوزه هنر را عمداً مورد غفلت قرار داد و همه منابع آموزشی را صرف حوزه های محتوایی بنیادی (ریاضی، علوم، زبان مادری و دینی) کرد تا دانش آموزان بتوانند در آنها به احراز قابلیت های حداکثری نائل آیند.

اهداف پژوهش

هدف کلی این تحقیق، بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند بر اساس عناصر اهداف، محتوا و روش های تدریس این درس است؛ در همین راستا اهداف جزئی زیر برای رسیدن به هدف کلی پژوهش دنبال می شود:

- ۱- بررسی، تحلیل و مقایسه اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند
- ۲- بررسی، تحلیل و مقایسه محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند
- ۳- بررسی، تحلیل و مقایسه روشهای تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

فراگیر مورد توجه است. نکته مهم دیگر در برنامه درسی هنر ابتدایی ایران این است که اگرچه بسیاری از مولفه های مربوط به استانداردهای درسی در این برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است، اما فاصله زیادی بین برنامه های درسی مورد نظر و اجرا شده در سیستم آموزش و پرورش ایران و در عمل موانع زیادی برای دستیابی به اهداف در آموزش هنر وجود دارد (حاجی تبار فیروزجائی، ملکی و احمدی، ۱۳۹۰).

یافته های پژوهش فلاح تفتی، جعفری هرنندی و طباطبائی (۱۳۹۸) نشان می دهد که کشورهای بررسی شده در این پژوهش، یعنی یونان، برزیل، ایران و کره جنوبی دارای یک زمینه فرهنگی ملی و درون زا برای برنامه درسی هنر هستند. این کشورها به برنامه درسی هنر به عنوان برنامه ای نگاه می کنند که نه فقط رشد هنری دانش آموزان، بلکه رشد شخصی، اجتماعی و فرهنگی آنها را نیز در برداشته باشد؛ با این حال در اهداف برنامه درسی هنر در این کشورها چند اختلاف وجود دارد که می تواند ناشی از بی توجهی به موسیقی و تأکید بیشتر بر ارزش معنوی هنر در ایران، ارزش بیشتر برای هنرهای تجسمی و اصرار بر یادگیری تاریخی در برزیل، رقص های باستانی در یونان و برجسته کردن نقش هنر در تبادلات بین فرهنگی در کره جنوبی باشد. از نظر محققان این پژوهش، اهداف در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران به دلیل آرمانگرایی و عملکرد پایین نیاز به بازبینی دقیق دارند، همچنین، محققان این پژوهش با توجه به تأکید برنامه درسی هنر در کشورهای برزیل، یونان و کره جنوبی بر استفاده صحیح از هنرهای بومی و محلی، به برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزش و پرورش توصیه میکنند که با توجه به غنای موسیقی ایرانی و سازهای بی نظیر آن، به آموزش موسیقی سنتی ایرانی و سازهای آن توجه زیادی نشان دهند.

یافته های پژوهش محمدی، جوادزاده برزکی و احمدآبادی آرانی (۱۳۹۹)، بیان کننده این است که در کشور فنلاند و ژاپن بیشتر از ایران به برنامه درسی هنر اهمیت داده می شود؛ زیرا علاوه بر اینکه ساعات آموزش هنر در این کشور مستقل است، به رشته های هنری مختلفی توجه میشود، اما در ایران علی رغم داشتن ساعات هنر مستقل، در گاهی موارد، زمان مربوط به این درس نیز به دروس دیگر اختصاص داده میشود. علاوه بر این، موضوعات و رشته های هنری در کشور فنلاند و ژاپن گسترده تر و متنوع تر از ایران می باشد؛ برای مثال، در برنامه درسی هنری فنلاند موسیقی آموزش داده میشود، اما در برنامه درسی هنر ایران به آموزش موسیقی توجهی نشده است. همچنین تربیت بدنی، صنایع دستی، رقص، هنرهای نمایشی، هنرهای دیداری و پیشه وری از عناوینی هستند که در آموزش هنر در

پرسش‌های پژوهش

با توجه به اهداف یادشده، موضوع پژوهش حاضر مطالعه تطبیقی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند است. به منظور بهره‌گیری از نتایج آن در تدوین بهتر برنامه درسی هنر کشور، پرسشهای این پژوهش عبارتند از:

۱. اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران چه شباهتها و چه تفاوتهایی با اهداف برنامه درسی هنر در فنلاند دارد؟
۲. محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران چه شباهتها و تفاوتهایی با محتوای برنامه درسی هنر در فنلاند دارد؟
۳. روشهای تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران چه شباهتها و تفاوتهایی با روشهای تدریس برنامه درسی هنر در فنلاند دارد؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر، پیمایش تطبیقی و از نظر بُعد هدف، کاربردی و از نوع کیفی است که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و متن کاوی می‌باشد؛ در همین راستا ادبیات و سوابق موضوع تحقیق در این پژوهش با مراجعه به مقاله‌های علمی پژوهشی و سایر مقاله‌ها و کتاب‌ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. در این راستا برای دستیابی به پژوهش‌های خارج از کشور از پایگاه‌های اریک^۱، امرال^۲، ساینس دایرکت^۳ و مقالات داخل کشور از پایگاههای اطلاعاتی بانک مقالات نشریات کشور، پایگاه اطلاعات پژوهشی جهاد دانشگاهی، پایگاه مدارک و اطلاعات علمی ایران، نورمگز و سیویلیکا استفاده شده است. الگوی مورد استفاده در این زمینه، الگوی پردی است که چهار مرحله توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه را در مطالعات تطبیقی مشخص می‌کند؛ بر اساس این الگو ابتدا اطلاعات مورد نیاز درباره کشورها از منابع معتبر گردآوری و تفسیر شده‌اند، سپس طبقه‌بندی و در مرحله آخر تفاوتها و شباهتهای آنها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند. جامعه آماری این پژوهش شامل برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در کشورهای جهان و نمونه آماری آن با توجه به روش نمونه‌گیری هدفمند، برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند است.

یافته‌های پژوهش

در یافته‌های این پژوهش، با توجه به مراحل الگوی پردی، ابتدا داده‌ها جمع‌آوری و مورد تفسیر قرار گرفته است. بر این اساس، پس از طرح هر سوال، به مرحله توصیف و تفسیر از مراحل الگوی پردی پرداخته شده است.

۱. توصیف و تفسیر اهداف برنامه درسی هنر دوره

ابتدایی در ایران و فنلاند

پرسش اول: اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با اهداف برنامه درسی هنر در فنلاند دارد؟

توصیف اهداف برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران

در برنامه درسی ملی ایران، اهداف درس هنر در چهار سطح مطرح شده است: ۱. هدف غایی، ۲. اهداف کلی ۳. اهداف تفصیلی و ۴. اهداف جزئی (سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

هدف: غایی هدف غایی درس هنر، برگرفته از دیدگاه اسلام در مورد فلسفه حیات همسو با سند برنامه درسی ملی است.

اهداف: کلی اهدافی که در راستای هدف کلی خلقت و برگرفته از فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی هستند. این اهداف در چهار عرصه رابطه با خود، رابطه با خدا، رابطه با خلقت و رابطه با خلق و شامل پنج عنصر تفکر، ایمان، علم، عمل و اخلاق مطرح می‌شود.

اهداف: تفصیلی شامل اهداف دوره‌های مختلف تحصیلی است. این اهداف در حوزه صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک در هر یک از عناصر تفکر و تعقل، ایمان، باور، علم، کار و عمل، مجاهدت و اخلاق مطرح شده است. این اهداف، صلاحیت‌های مشترک آن دسته از یادگیری‌هایی است که در همه حوزه‌های یادگیری حضور دارد و تمامی دانش‌آموزان در پایان دوره‌های مختلف آموزشی باید به سطوحی از آن دست یافته باشند. اهداف تفصیلی همسو با اهداف کلی است و اهداف ساختاری درس هنر مشخصاً در ارتباط با بخش فرهنگی و هنری است که عبارتند از: توانایی ارتباط با خلقت، پرورش روحیه زیبایی‌شناختی، توانایی تولید محصول هنری، آشنایی با میراث فرهنگی، توانایی نقل هنری. سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱).

اهداف: جزئی در سه حوزه دانش، نگرش و مهارت تدوین شده است که عبارت‌اند از:

۱-اهداف حوزه دانش: آشنایی با خلقت به عنوان منبع الهام آفرینش‌های هنری، آشنایی با رشته‌های هنری، آشنایی با مقدماتی با ابزار و مواد هر یک از رشته‌های هنری و آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران.

۲-اهداف حوزه نگرش: توجه به زیبایی‌ها و پرورش زیبایی‌شناسی و خالق زیبایی‌ها، تمایل به ابراز افکار احساسات با بیان هنری، توجه به توانایی‌های خود و کسب اعتماد به نفس، علاقه به کاوشگری و کسب تجربه در رشته‌های مختلف هنری، توجه به حفظ آثار هنری و میراث فرهنگی و تمایل به

اهداف بر اساس سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی-حرکتی بیان شده اند و هر سه حیطه را شامل میشود.

در حیطه روانی-حرکتی، اهداف کشور ایران به صورت دقیق و واضح بیان نشده است و ایده آلی مطرح شده اند.

اهداف برنامه درسی آموزشی هنر در ایران، زمینه ساز ویژگی های زیر در دانش آموزان است: توجه و تقویت ایمان، معرفت دینی و کسب فضایل اخلاقی و کمالات انسانی در دانش آموزان، پرورش روحیه تحقیق، تفکر و تعقل، بررسی و حل مسئله، ایجاد زمینه ای برای رشد و شکوفایی استعداد های فردی دانش آموزان، پرورش روحیه همکاری در بین دانش آموزان، ترویج و توجه به فرهنگ و تمدن کشور ایران و علاقه به فرهنگ خودی و زمینه ای برای پرورش قوه ابتکار و خلاقیت در دانش آموزان. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

تفسیر اهداف برنامه درسی دوره ابتدایی در فنلاند

اهداف و محتوای اصلی در برنامه های اصلی ملی تعیین میشود. که در این برنامه ها ۹ حوزه هنری مختلف (موسیقی، هنرهای دراماتیک، رقص، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، هنرهای دیداری و پیشه وری) مشخص می شود. اهداف محتوای اصلی هر نوع هنر توسط شورای ملی آموزش فنلاند به دقت انتخاب میشود. طبق نظرسنجی های انجام شده، نگرش دانش آموزان و معلمان و مدیران نسبت به آموزش هنر مثبت است.

در کشور فنلاند، هر مدرسه ای برنامه آموزشی خود را دارد و بیش از هر چیز تاکید بر برنامه ها و بازیهای خلاقانه در محیط مدرسه است. در این کشور از تولید محتوای دروس آموزشی استفاده می شود و از محتوای درسی از قبل آماده شده به مدارس و دادن یک چهارچوب کلی به مدارس برای تدریس پرهیز می شود. معلمان هر مدرسه بر اساس چهارچوب داده شده، محتوایی که خودشان مناسب می دانند را به دانش آموزان، آموزش می دهند (یغماییان، ۱۳۹۷).

۲. توصیف و تفسیر محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

پرسش دوم: محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران چه شباهت ها و چه تفاوت هایی با محتوای برنامه درسی هنر در فنلاند دارد؟

توصیف محتوای برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران

محتوای کشور ایران عبارت اند از:

برقراری ارتباط و مشارکت در فعالیت های گروهی. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).

۳-اهداف حوزه مهارت: توسعه مهارت های حسی، توسعه مهارت های گفتاری، توسعه مهارت های حرکتی برای کاربرد مواد، ابزار و فنون ساده هنری، توسعه قابلیت های تفکر، توانایی ابراز افکار و احساسات به زبان هنری و توسعه مهارتهای اجتماعی (آیت الهی، پریخ و رادپور، ۱۳۹۱).

توصیف اهداف برنامه درسی دوره ابتدایی در فنلاند

در کشور فنلاند، آموزش هنر بخش قابل توجهی از برنامه درسی را به خود اختصاص داده است. درس هنر در فنلاند شامل موسیقی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، تربیت بدنی و مهارتهای خانه داری می باشد. اهمیت آموزش هنر در فنلاند به گونه ای است که، برای رشد فردی مهم و ضروری، و ضامن سلامت و بهزیستی تلقی می شود درس هنر شرایطی را ایجاد می کند که، دانش آموزان به درک تجارب خود و همکلاسی هایشان پرداخته، و به خودآگاهی برسند. و همچنین موجب ارتقاء خلاقیت کودک و رشد اقتصاد خلاق و نیز فراهم آمدن ابزارهای لازم برای شهروند فعال بودن می شود (یغماییان، ۱۳۹۷).

در این کشور، آموزش ابتدایی، هنری اختیاری و داوطلبانه است. آموزش پایه ای هنر، مهارت خود ابرازی را به کودکان یاد می دهد و توانایی های لازم را برای آموزشهای شغلی و دانشگاهی به آنها می دهد. وزارت آموزش و فرهنگ فنلاند به دو بخش آموزشی و فرهنگی تقسیم شده است، که بخش آموزشی مسئول آموزش هنر در مدارس است، و بخش فرهنگی این آموزش را در خارج از مدارس پشتیبانی می کند (یغماییان، ۱۳۹۷). آموزش هنر در مدارس ابتدایی دولتی فنلاند، شامل موسیقی، تربیت بدنی، هنرهای تجسمی و صنایع دستی است. در آموزش ابتدایی حداقل ۲۱۲۸ ساعت هنر، به دانش آموزان آموزش داده می شود. یعنی تقریباً ۱۳ درصد از کل زمان آموزش. تعداد زیادی از دانش آموزان در فعالیت های باشگاه های زیر نظر مدرسه نیز شرکت میکنند، که این مشارکت داوطلبانه و رایگان است (یغماییان، ۱۳۹۷).

تفسیر اهداف برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران

با توجه به آنچه درباره اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در کشور ایران ذکر گردید، می توان اذعان کرد که اهداف فعالیت های هنری در این کشور، ابعاد اعتقادی، اخلاقی، علمی و آموزشی، فرهنگی و هنری، اجتماعی و زیستی را دنبال می کند.

-ارتباط با خلقت: در این ارتباط دانش آموزان با مفهوم نقطه خط، سطح، حجم، رنگ، بافت، سایه-روشن، حرکت، تقارن، ریتم و هماهنگی آشنا می شوند.

-نقاشی؛ که شامل دو مورد است؛ نقاشی با موضوع آزاد و نقاشی با موضوع معین

-طراحی

-کاردستی؛ که شامل کاردستی های دوبعدی (سطح) و کاردستی های سه بعدی (حجم) است.

-تربیت شنوایی

-قصه گویی

-نمایش

-آشنایی با میراث فرهنگی ایران (راهنمای درس هنر برای معلمان پایه های چهارم، پنجم و ششم، ۱۳۹۰).

توصیف محتوای برنامه درسی دوره ابتدایی در فنلاند

اهداف و محتوای اصلی در برنامه های اصلی ملی تعیین می شود. که در این برنامه ها ۹ حوزه هنری مختلف (موسیقی، هنرهای دراماتیک، رقص، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، هنرهای دیداری و پیشه وری) مشخص می شود. اهداف و محتوای اصلی هر نوع هنر توسط شورای ملی آموزش فنلاند به دقت انتخاب میشود. طبق نظرسنجی های انجام شده، نگرش دانش آموزان و معلمان و مدیران نسبت به آموزش هنر مثبت است (یغماییان، ۱۳۹۷).

در فنلاند، هنر را برای رشد فردی مهم و ضروری می دانند و آن را ضامن سلامت و بهزیستی تلقی می کنند. هنر شرایطی را فراهم می آورد که دانش آموزان تجارب خود و هم کلاسی هایشان را درک کنند و بدین ترتیب به آن ها در رسیدن به خودآگاهی کمک می کند. همچنین، نقش مهمی در ارتقاء خلاقیت کودک بازی می کند که در همه حوزه های موضوعی کاربرد دارد؛ برای مثال، آموزش موسیقی به مهارت های زبانی کمک می کند. همچنین، اجرای یک ایده یا راه حل خلاقانه به مهارت هایی مانند مهارت حل مسئله یاری می رساند. علاوه بر این، آموزش پایه ای هنر برای کودکان و نوجوانان فرصت یادگیری همراه با لذت هنری را فراهم می کند. سرانجام، هنر و فرهنگ در رشد اقتصاد خلاق اهمیت دارد و ابزارهای لازم برای شهروند فعال بودن را فراهم می آورد (یغماییان، ۱۳۹۷).

تفسیر محتوای برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران

جهت گیری های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش محتوا در این حوزه تا پایان دوره آموزش عمومی مبتنی بر تربیت هنری است (سند برنامه درسی، ۱۳۹۱: ۲۷)

محتوای برنامه درسی هنر ایران در ساختار برنامه درسی آموزش و پرورش در یک مبحث و تحت عنوان درس هنر اجرا می شود. درس هنر دوره ابتدایی با ارتباط با طبیعت شروع میشود و سپس به رشته های نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و نمایش می پردازد. دانش آموزان در کنار این رشته ها با میراث فرهنگی نیز آشنا میشوند. ارتباط با طبیعت و مشاهده پدیده هایی که هنرمندان در کنار هم قرار گرفته اند و جلوه های زیبای این مجموعه انسان را به حدی از کمال می رساند که در عین مشاهده کثرت و یگانگی حسن و جمال مطلق رهنمون میشود (یوسف فرحناک، ۱۳۸۸). در واقع، طبیعت و پدیده های طبیعی را، افزون بر ارزش ابزاری در جهت تحقق غایط زندگی، باید با نگرش نمادین، به مثابه آیاتی از حکمت، لطف و اقتدار الهی ملاحظه و در نظام آموزش و پرورش کشور ایران، زیبایی و هنر از نمودهای تعالی بخش حیات بشری و یکی از تمایلات فطری انسان است و ارزش زیبایی شناختی هم ناظر بر واقعیت های عینی است و هم وابسته به ادراک فرد است و هنر در حقیقت، مظهر خلاقیت هایی بشر است که شناخت و بهره برداری از آن در حرکت تکاملی انسان به سوی آفریننده نبوغ و استعداد هنری تأثیر عمیق دارد. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (محتوای این بخش از برنامه درسی هنر با اهداف برگزیده شده در بعد اعتقادی مطابقت دارد. (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰).

در مبحث جامع بودن محتوا در برنامه درسی هنر، در کشور ایران، در مبحث محتوای برنامه درسی جامعی که شامل طیف گسترده ای از اشکال هنر است، در دوره ابتدایی گنجانده شده است. تنها در این زمینه به فن آوری روز و تکنولوژی (رسانه های دیجیتال) توجه نشده است و دیگر این که، در بین تمام محتوایی که تدریس میشود، حرکات موزون در ایران تدریس نمیشود؛ این انتخاب بر اساس مذهب رسمی کشور ما، یعنی اسلام صورت گرفته است و نشان می دهد در انتخاب اهداف به مبانی دینی و مذهبی کشور توجه شده است (سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

همچنین، محتوای تربیت شنوایی، در برنامه درسی کشور به اجرا و تولید موسیقی نمی پردازد و تنها شامل تربیت شنوایی میشود و نه مقوله موسیقی. فراگیری و اجرای برنامه با استفاده از سازها و آلات موسیقی و یادگیری عناصر موسیقی در محتوای برنامه درسی هنری کشور ایران جایگاهی ندارد. آنچه در محتوای کشور ایران حائز اهمیت می باشد، گنجاندن میراث فرهنگی ایران به عنوان یک مبحث جداگانه است. همچنین در محتوای کشور ایران به عنوان یادگیری ها اعم از

فعالیت های کلاس درس خارج از آن تاکید شده و صرفاً منحصر به فعالیت های یادگیری کلاس درس نمی باشد (راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی، ۱۳۹۰).

تفسیر محتوای برنامه درسی دوره ابتدایی در فنلاند

در فنلاند، وزارت آموزش و فرهنگ به دو بخش آموزشی و فرهنگی تقسیم شده است. بخش فرهنگی، آموزش هنر در خارج از مدارس را پشتیبانی می کند و بخش آموزشی، مسئول هنر در مدارس است. آموزش هنر در فنلاند عمدتاً آموزش شاخه های مختلف هنر است. در واقع، آموزش از طریق هنر معمولاً «آموزش جامع» نامیده می شود و آموزش هنر به آموزش در سطوح مقدماتی پایین تر اطلاق می گردد. هنر در فنلاند همواره نقش مهمی در آموزش داشته است. موضوعات اصلی آموزش پایه ای هنر بر موسیقی، هنرهای تجسمی و صنایع دستی تمرکز دارند. هر کدام از این موارد نیز هدف متفاوتی دارند که در برنامه درسی ملی (۲۰۰۴) تعریف شده است.

- آموزش موسیقی به دانش آموزان در پیدا کردن موسیقی مورد علاقه شان و ابراز خود از لحاظ موسیقایی کمک می کند.

- هدف آموزش هنرهای تجسمی، حمایت از تفکر بصری و زیبایی شناسی دانش آموزان و آگاهی اخلاقی آنان است و آن ها را قادر به بیان بصری خود می کند. نگرش کلیدی و اصلی در سازه های هنرهای تجسمی، درک و نشان دادن فرهنگ بصری به عنوان هنر، رسانه و محیط در جامعه است.

- هدف آموزش صنایع دستی رشد و ارتقاء مهارت های دانش آموزان در صنایع دستی است، بدین ترتیب، عزت نفس دانش آموزان بر اساس شادی و رضایتی که از کار خود به دست می آورند، بالا می رود. علاوه بر این، استفاده از مواد مختلف افزایش می یابد و دانش آموزان از کیفیت مواد و کارهای مختلف آگاه می شوند. همچنین، با سنت های فرهنگی صنایع دستی در فنلاند و دیگر فرهنگ ها به صورت مقدماتی آشنا پیدا می کنند. (یغمایان، ۱۳۹۷).

۳. توصیف و تفسیر روشهای تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

پرسش سوم: روش های تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران چه شباهتها و چه تفاوت هایی با روشهای تدریس برنامه درسی هنر در فنلاند دارد؟

توصیف روشهای تدریس برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران

بر اساس حوزه یادگیری فرهنگ و هنر در سند ملی برنامه درسی ایران (۱۳۹۱)، اهداف دوره تحصیلی ابتدایی (۱۳۹۷)، راهنمای درس هنر دوره ابتدایی (۱۳۹۱) که برای معلمان شش پایه در ایران طراحی و تولید شده است. در شکل ذیل مهمترین روش های تدریس توصیه شده در این اسناد معرفی می شوند:



شکل ۱: جمع بندی روش های تدریس در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران

شده که آموزش هنر در دوره های تحصیلی پایین (ابتدایی) غیرمستقیم باشد و از ظرفیت های محتوایی دیگر دروس از جمله مطالعات اجتماعی و زبان و ادبیات فارسی استفاده گردد. جهت توضیح هریک از روش ها، در این راهنما آمده است که:

آن چه از اسناد بالادستی و نیز راهنمای درس هنر دوره ابتدایی بر می آید این است که هر دو طیف معلم محوری و دانش آموز محوری در روش های تدریس توصیه شده به معلمان ایرانی وجود دارد. البته در سند برنامه درسی ملی (۱۳۹۱: ۲۷) تأکید

روش «توضیحی» زمانی به کار گرفته میشود که معلم قصد دارد مقدار زیادی از اطلاعات هنری را به تعداد زیادی از دانش آموزان در محدوده زمانی کوتاهی آموزش دهد. معلم باید تلاش کند برای اثرگذار شدن مطالب درسی آنها را به صورت سازمان یافته ای ارائه دهد. در روش توضیحی، معلم هم اصول و هم راه حل مسائل را ارائه می کند و تمام مطالبی را که باید آموخته شود، به دانش آموزان عرضه می کند. در حین مطالب، معلم تلاش میکند مثال ها و نمونه های زیادی از آثار و دانش های هنری را تدارک ببیند تا دانش آموزان بتوانند مفاهیم و اصول را تعمیم داده و در موقعیت های جدیدی به کارگیرند. همچنین، معلم دانش آموزان را وادار میکند تا درک و فهم خودشان را با تمرین تحت نظر گرفته و بسنجند. افزون بر این، دانش آموزان برای تمرین مستقل مبتنی بر هدایت معلم هم تشویق می گردند. روش تدریس دیگر «ارائه مدل برای نقاشی» است. در این روش معلم به این نحو عمل می کند که اشکال هنری یا تصاویری از آنها را به کلاس می برد و از دانش آموزان می-خواهد که از آن به عنوان مدل استفاده کرده و نقاشی کنند. البته معلم می تواند تصویری از اشکال مختلف را روی برگه نقاشی یا تخته کلاس نیز بکشد تا دانش آموزان از آن الگو برداری کنند. یکی از مدل ها طبیعت پیرامونی است. مطابق با ساحت تعلیم و تربیت زیبایی شناسی و هنری در اهداف دوره تحصیلی ابتدایی (۱۳۹۷: ۶) مشاهده محیط طبیعی از جمله روش هایی است که معلم می تواند از آن برای دریافت حسی و ابراز آن به زبان هنر در دانش آموزان استفاده کند.

روش سوم «ارائه سرمشق برای خوشنویسی» است. آن چه که از سالیان گذشته در ایران مشهور بوده آن است که معلم یا روی تخته کلاس یا در دفترچه دانش آموزان نمونه هایی از کلمات، عبارت، جملات و یا اشعار ماندگار و تأثیرگذار را با خطی خوش و زیبا می نویسد تا یادگیرندگان بتوانند با تکرار و تقلید از آن بتوانند به مهارتی مناسب در نوشتن زیباگونه برسند. یکی از رایج ترین جملاتی که در سرمشق ها استفاده می شود این است که: «ادب آداب دارد». البته در درس فارسی بخوانیم و بنویسیم نیز جاهایی از کتاب درسی در نظر گرفته شده و از دانش آموزان می خواهد که با خطی خوش آن را ادامه دهند.

روش بعدی «قصه گویی» است. قصه جایگاه مهمی در کلاس های آموزش هنر دارد. اهمیت آن هم به خاطر تداعی ها و تصویرسازی ذهنی و تخیلی دانش آموزان است. بدین خاطر تسلط معلمان بر روش قصه گویی از ضرورت های تدریس در کلاس هنر است. روح قصه، نهفته در اشتراکات، احساسات انسان و بدون قصه گویی دریافت این احساسات مشترک ممکن نیست. قصه گویی مانند یک رودخانه سخاوتمند در سراسر

زندگی انسان وجود داشته و ادامه خواهد یافت. قصه گویی نوعی آگاهی ارزشمند و حس احترام به زندگی در مخاطب ایجاد میکند. اشاره شده که ادبیات عامیانه مهمترین منبع انتخاب قصه های مناسب برای قصه گویی است. همچنین ادبیات ملل دیگر و افسانه های آنها را که با ما اشتراکات دارند نیز می تواند مورد استفاده قرار گیرد. راهنمای درس هنر برای معلمان پایه چهارم، پنجم و ششم ابتدایی (۱۳۹۰). معمولاً قصه های قومی که دارای طرح ملودرام هستند یعنی از فراز و فرود و کنش و واکنش برخوردارند، جزییات در آن راهی ندارد و به گوینده سپرده می شود و شخصیت ها تا حدودی ساده و قابل شناختن هستند و از صفاتی مطلق برخوردارند؛ بهترین قصه ها برای گفتن هستند چون قصه گو با هنر خویش فضاهای خالی آن را پر می کند و انعطاف پذیری آنها دست گوینده را برای بازسازی خلاق باز می گذارد. راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی (۱۳۹۰).

روش های تدریس بعدی «گفتگو» و «پرسش و پاسخ» هستند. در ایران روش ها معلم و دانش آموزان بر سر مباحث هنری و میراث هنری خود به گفتگو و پرسش و پاسخ می پردازند. این دو روش در پدیداری آموزش هنری خلاق نقش اساسی دارند. معلم نه تنها در نقش یک راهبر و تسهیل گر فعالیت می کند بلکه در روند گفتگو و پرسش و پاسخی که میان دانش آموزان جریان دارد نیز شرکت کرده و از این راه دانش و تجربیات خود را توسعه می دهد. البته انتخاب مباحثی که هم بار علمی داشته باشند و هم دانش آموزان را به تفکر کردن وادار کند از زمینه ها و ملزومات این نوع از روش های تدریس است. راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی (۱۳۹۰).

«ارائه پروژه های فردی و گروهی» دیگر روش تدریس هنر در دوره ابتدایی ایران است. روش تدریس پروژه ای به دانش آموزان امکان می دهد تا قدرت مدیریت، برنامه ریزی و خود کنترلی را در خودشان ارتقاء بخشند. در این روش دانش آموزان می توانند با توجه به علاقه ی خود موضوعی انتخاب و به طور فعالانه در به نتیجه رساندن آن موضوع شرکت نمایند. در این روش دانش آموزان می فهمند که چگونه به طور منظم و مرحله ای کاری را درست انجام دهند و این روش باعث تقویت اعتماد به نفس در دانش آموزان می شود زیرا بین آنها و معلم رابطه صحیح آموزشی برقرار است و در نهایت این روش باعث تقویت همکاری، احساس مسئولیت، انضباط کاری صبر و تحمل در انجام امور و مهارت های اساسی پژوهش در دانش آموزان می-شود. راهنمای درس هنر برای معلمان پایه چهارم، پنجم و ششم ابتدایی (۱۳۹۰).

«نمایشنامه خوانی» روش بعدی است. در این روش معلم و دانش آموزان به قرائت نمایش های کوتاه و محلی می پردازند

مربیان می‌توانند ابتکارات و فرصت‌های کودکان را برای تأثیرگذاری بر فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا، و ارزیابی فعالیت‌های هنری آن‌ها کشف کنند (Weckström, 2021). هدف آموزش هنر ارائه فرصت‌های یادگیری و رشد جامع است که هویت کودکان را از طریق تجربیات مثبت تقویت می‌کند (Nevanen, 2015). در فنلاند، به نظر می‌رسد که اهداف آموزش هنر با ایده ابراز وجود خلاق مرتبط باشد. این اهداف شامل استفاده از اشکال مختلف هنر - به عنوان ابزار بیان هنری -، توسعه علاقه شخصی به یک رشته هنری، کسب رضایت شخصی، استفاده از هنر به عنوان ابزاری برای یادگیری و درک فرهنگ فنلاندی و سایر فرهنگ‌ها، توسعه نگرش‌ها و مهارت‌های پژوهشی و حل خلاق مسئله (Ramli et al, 2021). از آنجایی که هدف آموزش فنلاند تقویت دانش میراث فرهنگی کودکان است، مواجهه با آثار هنری، معماری یا طراحی آثار هنری، زندگی روزمره کودکان را غنی می‌کند.

تفسیر روش‌های تدریس برنامه درسی دوره ابتدایی در ایران

در ایران، در انتخاب روش تدریس هم روشهای فعال و هم روش‌های غیر فعال مورد توجه قرار گرفته‌اند. معلم برای آشنا کردن دانش‌آموزان و ابزار و مواد و چگونگی استفاده از آنها از روشه‌ای آموزشی مستقیم استفاده می‌کند و برای اجرای فعالیت‌های هنری از روشهای یادگیری فعال و مشارکتی استفاده میکند. همچنین، معلم با توجه به نوع محتوا و بحث مورد نظر، می‌تواند روش تدریس مناسب را برگزید. در برنامه درسی هنر این کشور، روشهای نوین تدریس (استفاده از رسانه‌های دیجیتال و اینترنت) در نظر گرفته نشده است و بی‌توجهی به این امر در هدف‌ها و محتوای برنامه درسی هنر این کشور نیز محسوس است.

در ایران از همکاری هنرمندان در مدارس استفاده نمی‌شود و معلم به تنهایی به تدریس محتوا می‌پردازد و تقریباً باید به تمامی هنرها مسلط باشد.

تفسیر روشهای تدریس برنامه درسی دوره ابتدایی در فنلاند

در فنلاند، تمامی روشها از نوع فعال می‌باشند روش‌هایی چون پروژه، روش مشارکتی و استفاده از فناوری دانش‌آموزان در یادگیری مشارکت می‌دهد برای اجرای فعالیت‌های هنری نیز از روشهای یادگیری فعال و مشارکتی برای پرورش تخیل و خلاقیت دانش‌آموزان استفاده می‌شود. معلمان سعی در تحریک دانش‌آموزان و ترویج فرصت‌هایی برای طرح سوال،

نمایشنامه خوانی تجربه ناب و رویکردی شناخت‌شناسانه به متن است که در صورت درست اجرا شدن پیامدهایی چون تقویت عزت نفس و اعتماد به نفس را برای دانش‌آموزان در پی دارد. در این روش هر یک از دانش‌آموزان با کمک و هدایت معلم نقشی را بر عهده می‌گیرند و سعی می‌کنند تا با مشارکت هم، نمایشی را به اجرا در بیاورند. آخرین روش تدریس «گردش علمی و بازدید از آثار فرهنگی و معرفی آنها» است. گردش‌های علمی در موزه‌ها و یا دیگر اماکن فرهنگی و تاریخی شهرها چنان تأثیری بر دانش‌آموزان می‌گذارد که تا هفته‌ها بعد از این اتفاق لذت ناشی از آن در کلاس توسط دانش‌آموزان مرور می‌شود. نشان دادن عظمت واقعی و ارزش حقیقی میراث فرهنگی غنی ایران تنها از طریق این روش میسر است (سند ملی برنامه درسی ایران ۱۳۹۱).

توصیف روش‌های تدریس برنامه درسی دوره ابتدایی در فنلاند

در کشور فنلاند، هر معلمی نحوه تدریس خود را دارد. در مدارس از متدهای پیشرفته تدریس و تکنولوژی جدید بهره گرفته می‌شود. در سیستم آموزشی فنلاند استقلال کودکان اهمیت دارد. تدریس معلم به صورت شبکه‌ای است و دانش‌آموزان نقش فعالی در یادگیری و برنامه‌ریزی دارند. در فنلاند رویکرد دانش‌آموز محوری بر برنامه درسی حاکم است. یادگیری (مشارکتی، گروههای کاری، نوآوری فردی) با استفاده از رایانه و برگزاری ویدیو کنفرانس از جمله روشهای یادگیری متداول در مدارس فنلاند است. در برنامه درسی ملی این کشور به معلمان اختیار داده شده که با صلاح دید خویش از فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) جهت کمک به یادگیری محتوای درسی و بهبود روند آموزش در کلاس درس به کار گیرند. و در ضمن مدارس فنلاند در چگونگی استفاده از رسانه‌های دیجیتالی مختارند (غزنوی، دایی زاده، فلاح، الهی، ۱۳۹۶).

در آموزش هنر، معلم به عنوان یک تسهیل کننده باید تجربیات قابل توجهی از فعالیت‌های هنری - اکتشافی و تجربی خود را در اختیار یادگیرندگان قرار دهد (Ramli, Rambeli, Rahmatulah, & Mustafas, 2021). همچنین مربی می‌تواند برای ارتقای هویت فرهنگی کودکان با کارشناسان فرهنگی و هنری همکاری کند. به ویژه معلم باید بتواند فرآیندهای تعامل اجتماعی را هدایت کند. نقش معلم شامل سازماندهی موقعیت‌های یادگیری، ایجاد محیط مناسب برای یادگیری هنرها، همراهی با کودک و تقویت حس کنجکاوی و خودکاوی او با استفاده از روش‌های مختلف - مانند روش پروژه - است (Nevanen, 2015). از طریق روش‌های پروژه محور،

شباهتها در اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

- هر دو کشور ایران و فنلاند، در تعیین اهداف برنامه درسی خود به توسعه تفکر خلاق و انتقادی اشاره کرده اند.

- هر دو کشور به توسعه مهارتهای اجتماعی دانش آموزان اشاره دارند

- هر دو کشور به رشد مهارتهای حسی و حرکتی در کار با اشکال هنری اشاره کرده اند.

- هر دو کشور تولید، اجرا و کسب تجربه در اشکال هنری و ایده مورد تأکید قرار گرفته است؛ خصوصاً در کشور فنلاند که اهداف این کشور جنبه کاربردیتری دارد.

- شناخت و آموزش فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و سنتهای جامعه در هر دو کشور به عنوان هدفی کلیدی مورد توجه قرار گرفته است.

تفاوتها در اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

- در کشور ایران توجه و تقویت ایمان، معرفت دینی، کسب فضایل اخلاقی و کمالات انسانی در دانش آموزان یکی از اهداف کلیدی است و اولویت با تربیت اعتقادی و اخلاقی است؛ در حالی که در فنلاند به این موضوع توجه نشده است.

- در کشور فنلاند اهداف برنامه اجرای موسیقی، شامل موسیقی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، تربیت بدنی و مهارت های خانه داری (هنر و مهارت را مطرح کرده است..

- در بحث اهداف محتوای موسیقی در برنامه درسی هنر در کشور ایران مبحثی مطرح نشده است، ولی در کشور فنلاند اهداف این بخش به صورت جداگانه آورده شده است و نقد و ارزیابی موسیقی خود و دیگران و اجرای موسیقی نیز از مهمترین اهداف در این زمینه است.

جدول ۱: مقایسه اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

کشور	شرح مقایسه اهداف
ایران	- در کشور ایران توجه و تقویت ایمان، معرفت دینی، کسب فضایل اخلاقی و کمالات انسانی در دانش آموزان یکی از اهداف کلیدی است و اولویت با تربیت اعتقادی و اخلاقی است.
فنلاند	در کشور فنلاند اهداف برنامه اجرای موسیقی، شامل موسیقی، هنرهای تجسمی، صنایع دستی، تربیت بدنی و مهارت های خانه داری (هنر و مهارت را مطرح کرده است

- در هر دو کشور نمایش، طراحی و نقاشی مورد اشاره قرار گرفته است.

تفاوتها در محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

- در ایران، به ارتباط با خلقت در عنصر محتوای برنامه درسی این کشور اشاره شده است و توجه به طبیعت و دقت در مشاهده

بحث، انعکاس و ارزیابی در کلاس درس دارند معلمان از بحث های جاری بین معلم و دانش آموزان در تدریس استفاده می کنند، در تدریس برنامه درسی هنر در کشور فنلاند به تعدادی از روش های آموزش و شیوه های متفاوت آموزشی که منجر به بحث و گفت و گوی دانش آموزان، نقد کردن و لذت بردن آنها از درس هنر می شود، توصیه می شود، این شیوه ها عبارت اند از: یادگیری مبتنی بر فعالیت و مشارکت دانش آموز، بحث و ترویج راهبردهای یادگیری خودراهبر و روش کاوشگری که به عنوان مناسب ترین روش تدریس در برنامه درسی هنر به دانش آموزان انگیزه می دهد و دانش آموزان را به کشف و آزمایش تشویق می کند و با ایجاد انگیزه آنها را به کاوش و آزمایش با طیف گستردهای از مواد، ابزارها و تکنیک ها تشویق می کند (ارزیابی اجرای برنامه درسی در مدارس ابتدایی، انگلیسی، ریاضیات و هنرهای تجسمی، ۲۰۰۵، ص ۴۱-۴۰).

روشهای تدریس این کشور، متناسب با اهداف تعیین شده است. در زمینه روش تدریس هنر در کشور فنلاند، اهداف آموزشی متناسب با آن تنظیم و تدوین شده است و بخش مهم آن در مرحله اجرا به معلمان مدارس محول میشود. مدارس باید با استفاده از فن آوری اطلاعات و ارتباطات و روشهای تدریس مناسب در اجرای بهتر برنامه کوشا باشند.

همچنین، در این کشور موزه ها در آموزش و پرورش نقش مهمی دارند و با نهادهای آموزشی این کشور همکاری تنگاتنگی دارند و هنرمندان این کشور در تدریس به عنوان منابع آموزشی با معلمان هنر در مدارس همکاری می کنند.

شباهتها در محتوای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

- هر دو کشور ایران و فنلاند در برنامه درسی هنر خود، محتوای شخصی را دنبال می کنند.

- در هر دو کشور معمولاً محتوا بر اساس اهداف آموزشی از قبل تعیین شده انتخاب، سازماندهی و تدوین شده است.

در ایران هنرهای بصری مورد توجه شامل صنایع دستی، طراحی و نقاشی است و در مباحث جداگانه آورده شده است، امادر کشور فنلاند هنرهای بصری شامل طیف گسترده‌ای از اشکال هنری، مانند مجسمه سازی، صنایع دستی، بازدید از موزه ها و... است و به صورت کلی با عنوان هنرهای بصری آورده شده است.

قصه گویی جزء محتوای درام و نمایش است، اما در کشور ایران به صورت یک مبحث جداگانه مطرح شده است.

آن و دیدن آنچه در اطراف دانش آموزان است، تاثیر آن بر یادگیری و تجربه های آنها مورد توجه قرار گرفته است.

در ایران آشنایی با میراث فرهنگی ملی و محلی مورد اشاره قرار گرفته است و در محتوای این کشور در یک مبحث جداگانه آورده شده است.

در ایران محتوای حرکات موزون در برنامه درسی گنجانده نشده و به این موضوع پرداخته نشده است.

جدول ۲: مقایسه محتوا برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

کشور	شرح
ایران	به ارتباط با خلقت در عنصر محتوای برنامه درسی این کشور اشاره شده است - آشنایی با میراث فرهنگی ملی و محلی مورد اشاره قرار گرفته است در ایران محتوای حرکات موزون در برنامه درسی گنجانده نشده است. در ایران هنرهای بصری مورد توجه شامل صنایع دستی، طراحی و نقاشی است و در مباحث جداگانه آورده شده است، قصه گویی جزء محتوای درام و نمایش است.
فنلاند	هنرهای بصری شامل طیف گسترده‌ای از اشکال هنری، مانند مجسمه سازی، صنایع دستی، بازدید از موزه ها و... است و به حرکات موزون در محتوای برنامه درسی گنجانده شده است

استفاده از هنرمندان در تدریس جزو روشهای تدریس برنامه درسی هنر نیست، اما به عنوان یک راه حل کاربردی میتواند مورد استفاده قرار بگیرد که مدارس ایران برخلاف فنلاند، از حضور و استفاده از تخصص هنرمندان در مدارس بی بهره هستند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند بود. بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر که در آن دو یا چند کشور در کنار هم قرار می گیرند و وجوه اختلاف و تشابه آنها تجزیه و تحلیل می شود، می تواند به برنامه درسی هنر کشور مورد نظر کمک کند؛ توسعه و بازسازی هر برنامه با بهره گیری از تجارب سایر کشورها، امکان پذیرتر و اقتصادی تر است.

در این پژوهش از مقایسه شباهتها و تفاوتها موجود در سه عنصر اهداف، محتوا، روشهای تدریس برنامه درسی هنر در ایران و فنلاند نتایج زیر به دست آمد:

هر دو کشور دارای زمینه فرهنگی یا ملی برای تدوین برنامه های درسی هنر خود می باشند. در هر دو کشور، فرهنگ بومی و محلی آن کشور در اهداف و محتوای برنامه درسی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در هر دو کشور به برنامه درسی هنر به عنوان برنامه ای که به توسعه شخصی، اجتماعی و فرهنگی کمک میکند، نه صرفاً به توسعه هنری، نگریسته می شود.

شباهتها در روشهای تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

در هر دو کشور ایران و فنلاند استفاده از روشهای تدریس فعال مورد توجه قرار گرفته است.

در هر دو کشور، یادگیری منحصر به محیط کلاس درس نیست و معلمان از روشهای دیگر تدریس که خارج از محیط مدرسه نیز قابل استفاده است، بهره می گیرند.

تفاوتها در روشهای تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

در ایران از روشهای حل مسئله و روش اکتشافی در امر تدریس استفاده نمی شود.

در فنلاند از روشهای نوین تدریس بر اساس فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی هنر استفاده می شود که این امر در کشورهای دیگر مورد غفلت قرار گرفته است.

در فنلاند، معلم از ارائه مستقیم سخنرانی، توضیحی مباحث درسی هنر به دانش آموزان استفاده نمی کند و مطالب از طریق بحث و گفت و گو به دانش آموزان انتقال می یابد.

در ایران از روشهای سنتی در امر تدریس و برنامه درسی هنر استفاده میشود، اما در عین حال روشهای فعال نیز مورد توجه قرار گرفته و معلم بسته به نوع مبحث و محتوای آموزشی، روش مناسب را انتخاب میکند و در این زمینه آزادی تام دارد.

جدول ۳: مقایسه روشهای تدریس برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در ایران و فنلاند

کشور	شرح روشهای تدریس
ایران	- از روشهای حل مسئله و روش اکتشافی در امر تدریس استفاده نمی شود. معلم بسته به نوع مبحث و محتوای آموزشی، روش مناسب را انتخاب میکند و در این زمینه آزادی تام دارد.
فنلاند	- معلم از ارائه مستقیم سخنرانی، توضیحی مباحث درسی هنر به دانش آموزان استفاده نمی کند و مطالب از طریق بحث و گفت و گو به دانش آموزان انتقال می یابد. در فنلاند از روشهای نوین تدریس بر اساس فناوری اطلاعات و ارتباطات در برنامه درسی هنر استفاده می شود

- مشارکت نهادها و سازمانهای فرهنگی و هنری در امر برنامه درسی هنر در مدارس از جمله موزه ها، فرهنگسراها، پژوهشگاه ها، صدا و سیما و ...
- آموزش سازهای سنتی و اصیل ایرانی و گنجاندن محتوای موسیقی در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی.

موازین اخلاقی

در این مطالعه اصول اخلاق در پژوهش شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان و حفظ اطلاعات محرمانه آنها رعایت گردیده است.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران مراتب قدردانی و تشکر خود را از کلیه شرکت کنندگان این پژوهش که با استقبال و بردباری، در روند استخراج نتایج همکاری نمودند، اعلام می دارند.

تعارض منافع

نویسندگان این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی در انجام و نگارش آن ندارند.

واژه نامه

۱. اریک
۲. امرا
۳. ساینس دایرکت

منابع فارسی

یوسفی افراشته، مجید؛ شیخی فینی علی اکبر؛ مظری صالح؛ سلطان حسین، و رشیدی، مهران. (۱۳۹۱). تأثیر آموزش موثر هنر در پرورش خلاقیت دانش آموزان، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز. ۶۶-۴۷
یوسف فرحناک، ماندانا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر رویکرد تربیت هنری بر عملکرد دانش آموزان در درس هنر پایه چهارم و بررسی دیدگاه معلمان در خصوص آموزش با این رویکرد در سال تحصیلی ۸۷-

-شواهدی که از بررسی محتوای برنامه های درسی هنر هر دو کشور به دست آمده است، نشان می دهد که در برنامه درسی کشور فنلاند به هنرهای تجسمی و موسیقی توجه ویژه شده است، ادر ایران تنها به هنرهای تجسمی و به خصوص نقاشی توجه شده است و محتوای موسیقی چندان مورد توجه نبوده است.

-در عنصر روشهای تدریس در هر دو کشور از شیوه های فعال در تدریس به خصوص روش اکتشافی و پروژه در فنلاند استفاده می شود، اما در کشور ایران از شیوه های غیر فعال نیز استفاده میشود و از آنجایی که برنامه درسی هنر از دروسی است که فعالیت دانش آموز را می طلبد، باید این روشهای غیر فعال کنار گذاشته شود. در همین زمینه در فنلاند از هنرمندان به عنوان یاری دهنده در امر تدریس در برنامه درسی هنر نیز استفاده می شود؛ در صورتی که این امر در نظام آموزش و پرورش ایران وجود ندارد و استفاده از متخصصان رشته های هنری در امر تدریس مورد غفلت قرار گرفته است.

-نکته شایان توجه در زمینه ارزشیابی برنامه درسی هنر این است که انتخاب معیار و استاندارد برای این امر پیشروی هر دو کشور ایران و فنلاند است، تا بتوانند ارزشیابی قابل اعتماد و منصفی از ارزیابی یادگیری هنر دانش آموزان انجام بدهند. مهم ترین امر در زمینه ارزیابی برنامه درسی هنر گنجاندن معیارها و استانداردهای یکسان است که معلمان در ارزیابی فعالیتهای هنری دانش آموزان کمک میکند. همچنین برای توسعه روحیه انتقادی، باید دانش آموزان در امر ارزیابی از کار خود و دیگر دانش آموزان شرکت داده شوند، که این امر در برنامه درسی هنر ایران نادیده گرفته شده است.

با توجه به نتایج بررسی های انجام شده در برنامه درسی هنر در دو کشور ایران و فنلاند، پیشنهادها و راهکارهای زیر ارائه می شود:

-استفاده از هنرمندان حرفه ای آموزش دیده در آموزش هنر؛ به این دلیل که اطمینان حاصل شود که دانش آموزان هنر را با بهترین کیفیت ممکن کسب می کنند.
-استفاده از معلمان متخصص در آموزش هنر.

- South Korea. *Comparative Education*, 3(1), 596-580. [Persian]
- Hajitabar Firouzjaei, M., Maleki, H., & Ahmadi, G. (2016). Design and validation of a conceptual model for reducing the gap between intended, implemented and acquired curriculum in the Iranian public education system. *Theory and Practice in Curriculum*, 4(7), 5-30. [Persian]
- Hosseini Rad, M. (2012). Problems of Teaching Art in Tehran. *Roshd Ummud Art*, 9th Volume, No. 4, Summer 2012. [Persian]
- Kargozar, M., Kabuk, H., and El-Daghi, A. (2018). A comparative study of art curriculum in primary school in Iran and Japan. *Journal of Educational Innovations*, 18(69), 113-138. [Persian]
- Khosravi Moshizi, M., Soltani, A., & Alinejad, M. (2019). A Comparative Study of the Art Curriculum of the Elementary School in Iran and Canada. *Comparative Education*, 2(3), 298-323. [Persian]
- Mohammadi, Z., Javadzadeh Barzaki, F., & Ahmadabadi Arani, N. (2019). A comparative study of art curriculum in Iran, Finland, and Japan. *The 6th International Conference on Psychology, Counseling, and Educational Sciences*, November 2016, Tehran. [Persian]
- Nevanen, S. (2015). Focusing on arts education from the perspectives of learning, wellbeing, environment and multi-professional collaboration
- Ramli, M., Rambeli, N., Rahmatulah, B., & Mustafa, M. (2021). Development Of Teachers In Visual Art Sketching Skills Approach In The Early Childhood Education Professionalism. *Review of International Geographical Education*, 11(5), 469-475.
- Theoretical Foundations of Fundamental Change in the Formal Public Education System of the Islamic Republic of Iran (2011). Ministry of Education. Cultural Revolution Council and the Supreme Council of Education. [Persian]
- Weckström, E. (2021). Enhancing a culture of participation in early childhood education and care through narrative activities and project-based practices, *Journal of Early Childhood Education Research*, 10(1), 6-32
- Yaghmaei, M. (2018). Art Lesson in the Finnish Educational System, *Journal of the*
- ۸۸ در شهر مرودشت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت
- یغماییان، مارال. (۱۳۹۷). درس هنر در سیستم آموزشی فنلاند، مجله رشد آموزش هنر، ۱۵، (۳): ۳۸-
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). وزارت آموزش و پرورش. شورای انقلاب فرهنگی و شورای عالی آموزش و پرورش.
- محمدی، زینب؛ جوادزاده برزکی، فائزه، و احمدآبادی آرانی، نجمه (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در کشور ایران، فنلاند و ژاپن. ششمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی، آبان ماه ۱۳۹۵، تهران.
- فلاح تفتی، سمیه، جعفری هرندی، رضا، و طباطبایی، مینا سادات (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی اهداف برنامه درسی هنر دوره ابتدایی در برزیل، یونان، ایران و کره جنوبی. آموزش و پرورش تطبیقی، ۱۳، (۱)، ۵۹۶-۵۸۰
- کارگذار، معصومه، کبوک، حانیه، و الداغی، آیتنا (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر در دوره ابتدایی ایران و ژاپن. فصل‌نامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۸، (۶۹)، ۱۱۳-۱۳۸
- حاجی تبار فیروزجائی، محسن، ملکی، حسن، و احمدی، غلامعلی (۱۳۹۵). طراحی و اعتبارسنجی الگوی مفهومی کاهش فاصله برنامه درسی قصد شده، اجرا شده و کسب شده در نظام آموزش عمومی ایران. نظریه و عمل در برنامه درسی، ۴، (۷)، ۳۰-۵
- حسینی راد، مریم (۱۳۹۱). مشکلات تدریس هنر تهران رشد آموزش هنر، دوره نهم شماره ۴ تابستان ۹۱
- خسروی مشیزی، معصومه، سلطانی، اصغر، و علینژاد، مهرانگیز (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ایران و کانادا. آموزش و پرورش تطبیقی، ۲، (۳)، ۲۲۳-۲۹۸
- دالوندی، هلن (۱۳۸۹). آموزش هنر در دبستان تهران: چاپ اول، تهران، انتشارات سمت
- آیت‌اللهی، مینو، پریخ، زهره، و رادیپور، فاطمه (۱۳۹۱). ضمیمه راهنمای درس هنر پایه دوم. تهران: دفتر تالیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری.

فهرست منابع

- Ayatollahi, M., Parirokh, Z., & Radpour, F. (2012). Appendix to the Second Grade Art Lesson Guide. Tehran: Theoretical Elementary and Secondary Textbook Compilation Office. [Persian]
- Dalvandi, E. (2010). Art Education in Tehran Elementary School: First Edition, Tehran, Samt Publications. [Persian]
- Fallah Tafti, S., Jafari Harandi, R., & Tabatabaei, M. (2019). A comparative study of art curriculum objectives in primary school in Brazil, Greece, Iran, and

Yousefi Afrashte, M., Sheikhi Fini, A. A., Mazari, S., Soltan, H., & Rashidi, M. (2012). The Effect of Effective Art Education on Developing Students' Creativity, *Journal of Educational Sciences*, Shahid Chamran University of Ahvaz, 6(1): 47-66. [Persian]

Growth of Art Education, 15(3): 38. [Persian]

Yousef Farahnak, M. (2009). Studying the Effect of Art Education Approach on Students' Performance in the Fourth Grade Art Lesson and Examining Teachers' Views on Teaching with This Approach in the Academic Year 2008-2009 in Marvdasht. Master's Thesis, Curriculum, Islamic Azad University, Marvdasht Branch. [Persian]

